

بمناسبت برپایی همایش ائتلاف احزاب و سازمان های دموکرات و ترقیخواه افغانستان

خوشنودم چنین فرصتی دست داده است که با ارسال این پیام شادباش، اگرچه از راه دور، من هم شاهد برزمین گذاشتن خشت نخست "ائتلاف احزاب و سازمان های دموکرات و تحول طلب" افغانستان هستم. این، یکی از آرزوهای دیرین بسیاری از انسان های میهن دوست و ترقیخواه کشور بوده است. ابتکاری را که "مجمع همسویی و نجات" با پی ریزی این ائتلاف انجام داده است و در این همایش باشکوه بازتاب می یابد، پاسخی بهنگام به خواست زمان و ضرورت های زندگی سیاسی با تعمیق دموکراسی، در فضای چالش زای کنونی کشور است.

دراوضاع و احوال کنونی به باور بسیاری ها، فضای بن بست و سردرگم و بحرانی ژرف سراپای جامعه را فراگرفته است. اگرچه دستیابی به صلح و امنیت و زدایش پدیده جنگ و خشونت آرمان بنیادین توده های مردم افغانستان است، ولی همه امیدواراند که سازش ها و مصالحه پذیری ها به بهای چیرگی نیروهای تاریک اندیش و ستیزه جو درکشور پایان نیابد. در میان برخی از حلقات این نگرانی وجود دارد که مبادا با تغییر جغرافیای جنگ و تهدید دستآورد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فضای نسبی آزاد اندیشی، انباشته از دوره های پیشین تاکنون، باصطلاح یکبار دیگر تاریخ تکرار شود.

همه میدانند که در شرایط کنونی بگونه فزاینده بی شکاف های اقتصادی و اجتماعی در جامعه ژرفتر و گسترده تر میشود. گروه های بزرگ اجتماعی مردم در غرقاب تهیدستی و بیکاری رانده میشوند. لایه های گسترده زحمتکشان فزینی و فکری در همه پهنه ها، جایگاه های اجتماعی خویش را از دست میدهند. گروه های بزرگ مردم از کمترین توانایی های مادی و تأمینات اجتماعی برخوردار نیستند. انباشته های باد آورده از بازرگانی پر رونق مواد مخدر، از فساد گسترده و درآمد های مستمری، از توزیع غیر عادلانه امداد های خارجی و ثروت های ملی، به آرایش نوین طبقات اجتماعی بسود نیروهای اقتدارگرا کمک می نمایند. آنان به مدافعان نظام اقتصاد سرمایه داری نیو لیبرال در شرایط تسلط تک قطبی جهانی، مبدل میشوند. جامعه در تند راه تقسیم به اقشار فرادست و فرودست تغییر شکل می یابد، توده های مردم بینوا تر می شوند و اقشار میانه حال نیز زیان می بینند و جایگاه آنها در صف بندی طبقاتی تغییر می نماید.

بنا برآن، با وجود این چنین رویکرد ها، هر گاه، آگاهی و اراده توده های ملیونی مردم در ارتباط به سازمان ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی مدافع منافع آنان درهم نیامیزد، آنان در چنبر ناامیدی ها فشرده خواهند شد و از میدان سیاست و تصمیم گیری دور خواهند ماند. با تداوم این روند، توازن نیروها بسود اقلیتی از جامعه - اقشار بالادست و به زیان اکثریت مردم - طبقات تهیدست، دگرگون خواهد شد و این فرایند اجتماعی درازمدت خواهد بود.

بنا برآن، تلاش های کنونی بخاطر ایجاد پایگاه اندیشه ای و بنیاد فکری - فرهنگی در وجود ائتلاف کنونی نیروهای دموکراتیک و تحول طلب در این یکی از گره های تاریخی در کشور، بجا و ستایش برانگیز است. تقویت کردن همسویی ها، نزدیک کردن مجموعه ای از نگرش ها و عملکرد های عینی و پدید آوردن زمینه ها برای راهبردهای عملی کاریست که در برابر این ائتلاف سازمانی قرار دارد. در این اتحاد تازه بنیاد، شماری از تشکل های پا گرفته پیشین که سرمایه های ارزشمند اجتماعی و سیاسی کشوراند، گردهم آمده اند و باور برآنست که آگاهانه و با دید علمی و عینی دستگاه فکری و عملی منسجمی را بوجود خواهند آورد.

در این سازمان ائتلافی، گروهی از شخصیت های مبارز که از آزمون زمان پیروزمانده بدرآمده اند و درکارزار سیاسی پخته و درکار اداره دولتی در سه دهه پیشین تجربه اندوخته اند، پیمان همکاری خواهند بست. دانسته ها و یادمانده های پیشین درپهنه سیاست به شرکت کنندگان ائتلاف نوین خواهد آموخت که برنامه های اجتماعی کارآمد و کارساز را فراراه مبارزه خویش قرار بدهند تا اعتماد توده های مردم را بدست آورند و آنان را برای همسویی با نیروهای آزادیخواه و نواندیش، برانگیزند.

ولی این نکته را باید دریافت که جامعه امروزی افغانستان دگرگون شده است و دگرگونی های بیشتری را خواهد پذیرفت. بنابراین، از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کنونی باید درک و تلقی مدرن کسب کرد و با روشن بینی و ژرف اندیشی منظر فکری، اصول بنیادین و کارپایه های سیاسی خویش را بنانهاد. باید گفت که ازیکسو آن زمینه های تاریخی دیگر وجود ندارد تا راهکارهای بازگشت به گذشته ازسرگرفته شود و ازسوی دیگر نباید به ایده ها و اندیشه های دوران ساز پیشین پشت پا زد که بذراگاهی و آزادیخواهی را درجامعه ما نیز پاشیده و زمینه سازدگرگونی های اجتماعی شده بود. برپایه آن آرمان ها، در آن سال ها، خدمات بزرگ و فراموش ناشدنی بخاطر میهن ومردم افغانستان درزمینه های رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی و درعرضه تأمینات اجتماعی مردم انجام گردید که نشانه ها، بازمانده ها، تجربه ها و بازدهی های آن تا کنون پیداست.

این ائتلاف نوبنیاد، برپایهٔ آموخته‌ها و اندوخته‌های مبارزهٔ سال‌های پیشین، باید بتواند نقش انتقال دهنده و پیوند دهندهٔ جنبش دموکراتیک و دادخواهانه را از گذشته تا کنون و امتداد آن را به آینده ایفا نماید. برای انجام چنین کاری، به ساختارگرایی شکلی نباید بسنده کرد تا صرف‌بمعنوان یک سازمان کوچک اگرچه با نام بزرگ، در فهرست احزاب و سازمان‌های سیاسی جایی داشته باشد. جایگاه واقعی این سازمان باید در میان توده‌های مردم باشد و سرشت آن با سرنوشت آنان گره بخورد تا ایفای نقش آگاهی دهنده و برانگیزندهٔ توده‌های ملیونی و بویژه اقشار زحمتکش را از طریق مبارزهٔ مسالمت‌آمیز راهبردی سیاسی و تبلیغاتی برعهده بگیرد.

برای ائتلاف، پلاتفورم و اصول تشکیلاتی پیشبینی گردیده است که شاید در وضع موجود بجا باشد، ولی برخی از مسایل بنیادی و سرنوشت ساز که در درون و برون کشور بگونهٔ گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار میگیرد، مسکوت گذاشته شده است. لازم خواهد افتاد تا در یکی از اسناد برنامه‌ای به مسایل مطرح چون نظام سیاسی، دولتی و پارلمانی و مسایل دیگر از این دست که با زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و مردم وابستگی تنگاتنگ دارد، پرداخته شود. در چنین سندی خواسته‌های مردم برای آزادی‌های دموکراتیک همراه با عدالت اجتماعی، رعایت حقوق انسانی و برابری شهروندی و ملی آنان بلحاظ قانونی، برانداختن نابرابری و تبعیض و مسایل بنیادی دیگر از این چنین، بگونه‌ای روشن بازتاب یابد. دستیابی خانواده‌ها به آموزش و بهداشت و سرپناه، زدایش تهیدستی و بیکاری از طریق تأمینات اجتماعی و کارایی، مسایل بسیار مهم و ضروری قابل تذکار اند. همچنان بایستی از خواسته‌های اجتماعی زنان، از نیازمندی‌های جوانان و کودکان، مواظبت از بازنشستگان و موسپیدان، معیوبین و معلولین، خانواده‌های نیازمند و قربانیان جنگ، پشتیبانی بعمل آید و مفردات آن مشخص گردد.

در هر حال، آنچه از اهمیت بنیادین برخوردار است، اینکه: روند‌های ساختاری و سازمانی ائتلاف تکمیل گردد و تضمیناتی برای گذار به پله‌های پیشرفته‌تر تشکیلاتی و برای اجرای تصامیم برنامه‌ای آن بوجود آید. لازم است که هموندان ائتلاف با تحکیم همبستگی اندیشه و عمل درونی خویش با توده‌های مردم رابطهٔ استوار، پویا و پایا برپا کنند و بخاطر سمت و سو بخشیدن به پشتیبانی آنان از سیاست‌ها و برنامه‌های خویش، تلاش ورزند.

طوریکه دیده میشود، در پلاتفورم ائتلاف به ضرورت دموکراسی، آزادی بیان و تضمین حقوق بشری در جامعه تأکید گردیده و به این مسایل ارج فراوان گذاشته شده است. ولی افزون بر آن،

لازم است که این اصول خدشه ناپذیر در زندگی درون سازمانی نیز گسترش یابد. حتی انطباق پذیری برای تطبیق فیصله های جمعی نیز نباید، فضای آزادی بیان و دگراندیشی را در درون سازمان محدود بسازد یا روحیه خودسانسوری را ایجاد نماید.

هموندان ائتلاف با آزاد اندیشی و ژرف اندیشی میتوانند بخاطر تکامل اندیشه ها سهم بگیرند و نقش سازمان را در میان جامعه و مردم بالا ببرند. ائتلاف باید توانایی لازم را بدست آورد تا بعنوان یک نیروی محرکه، باورتوده های مردم و بدرجه نخست زحمتکشان را از طریق مبارزه انتخاباتی و پارلمانی با رأی مردم بدست آورد. ائتلاف باید خواست مردم را برای ساختمان جامعه ای برپایه رفاه و عدالت اجتماعی که حق آنان است، تقویت نماید و گستره سیاسی و امنیتی را پیرامون آنان ژرفا و پهنا بخشد.

برپایه دانش مبارزه و تجربه گذشته، به هر میزانی که ائتلاف در همبستگی و همسویی درونی خویش و در کارزار سیاسی پیروزی بدست آورد، تأثیرات ژرف بر بینش و منش سازمان ها و نیروهای دیگر دموکراتیک و جانبدار ترقی و تحول وارد خواهد کرد. رهبران آنها با مشاهده برتری های اتحاد و مبارزه، به جدا افتادگی سازمانی خویش، پایان خواهند داد و به سیاست سازماندهی مشترک روی خواهند آورد.

آرزومند است که هموندان سازمانی و فردی ائتلاف در دوران جدید زندگی سیاسی خویش در همزیستی با گروه های اجتماعی، در کار سیاسی و روشنگری با پویندگی و سازندگی پیشگام گردند و با دید فراخ و مثبت به پیشواز ممکن های مثبت و اصولی بشتابند.

باشد که هموندان ائتلاف آگاه از مسئولیت های خویش در حرف و در عمل، اصول راهبردی برای تغییرات اجتماعی را پی ریزی و برنامه ریزی کنند!

بگذار که ائتلاف در لحظات تاریخی معین بخاطر افغانستان نوین سهم شایسته خویش را درک و اداء نماید!

به امید پیروزی های نوین!

شاد و کامگار باشید!

سلطان علی کشتمند